

## نگاه

یادداشت مولف کتاب «قدر مطلق یک توطئه»

## درباره «نقاب» آمریکایی



کتاب «قدر مطلق یک توطئه»

شاداب عسگری نویسنده و پژوهشگر

پیش تولید این کتاب، همه منابع داخلی در رابطه با کودتای نقاب و برخی منابع خارجی از جمله کتابی با همین عنوان، تالیف محمداقبر بنی عامری که در انگلستان منتشرشده مورد بررسی دقیق قرار گرفت. علاوه بر اینها، مجموعه ابهامات و مجهولات پیرامون این کودتا را چه آنهایی که در فضای مجازی و مجامع عمومی و چه آنهایی که در میان اندیشمندان و محققان مطرح می‌شود- گردآوری کرده و با همه افرادی که در این ماجرا نقش مستقیم داشتند و به‌نحوی با موضوع کودتا مرتبط بودند یا با این موضوع از نزدیک آشنایی داشتند گفت‌وگو و تمام اطلاعات لازم را از این طریق استخراج کردیم.

بر این اساس، کتاب «قدر مطلق یک توطئه» به اذعان بسیاری از صاحب نظران این حوزه، کامل‌ترین کتابی است که تاکنون درباره کودتای نقاب تدوین شده است. همچنین بیش از ۵۰ درصد از حجم این کتاب را مطالبی تشکیل می‌دهد که برای اولین بار مطرح شده و بخش قابل توجهی از آن مربوط به اسناد کودتاست. یکی از وجوه تمایز این کتاب نسبت به سایر منابع موجود در ارتباط با کودتای نقاب، بررسی موردی تک‌تک چهره‌های شاخص کودتا و ارائه اسناد و مدارک مرتبط با آنهاست. مضاف بر این در «قدر مطلق یک توطئه» در رابطه با چند موضوع خیلی مهم بررسی‌هایی انجام شده و نتایج قابل توجهی به دست آمده است؛ به‌طور مشخص درباره اینکه آیا کودتاجپان بر اساس برنامه‌های ایالات متحده در این کودتا عمل کردند؟ آیا ابوالحسن بنی صدر با کودتاجپان ارتباط داشت؟ نقش حزب توده در جریان کودتا چه بود و... در این کتاب صحبت شده است. این کتاب اطلاعات جامعی نیز درباره فرآیند کودتا به دست مخاطب می‌دهد و به چگونگی خنثی‌سازی آن هم می‌پردازد. در حالی که در ماجرای کودتای نقاب، سه نفر از افسران ارتش به شهادت رسیدند، تنها در کتاب خاطرات آقای ری شهری آن هم فقط به یک نفر از این شهدا اشاره شده، اما در این کتاب از هر سه نفر یاد شده و اسناد شهادت آنها ارائه شده است.

برخی افراد مرتبط با این کودتا بعد از کشف موضوع توبه کردند؛ «قدر مطلق یک توطئه» درباره سرنوشت توابین نیز توضیحاتی ارائه کرده که قبلاً کمتر به آن پرداخته شده است. در این کتاب برای اولین بار درباره نحوه برخورد نظام جمهوری اسلامی ایران با خانواده کودتاجپان مطالب جالبی آمده است؛ شاید باورش سخت باشد، اما تا ۳۶ سال بعد از اعدام کودتاجپان تعدادی از خانواده‌های آنها در خانه‌های سازمانی ارتش سکونت داشتند و بدون کمترین فشار زندگی می‌کردند.

به‌طور کلی مطالب جدید در این کتاب بسیار است و ما در فرآیند تدوین آن تلاش کردیم برای تمامی ابهاماتی که به آنها دسترسی داشتیم پاسخ‌ی ارائه دهیم.

تعداد خلبان‌های اعدامی در جریان این کودتای نافرجام در منابع مختلف بین ۶۰ تا ۱۲۰ نفر تخمین زده شده که با استناد به آن این فرضیه مطرح می‌شود که اگر این خلبان‌ها اعدام نمی‌شدند، رژیم بعث اجازه حمله به کشور را به خود نمی‌داد. در «قدر مطلق یک توطئه» توضیح داده‌ایم که خلبان‌ها ۱۲ تا ۱۳ نفر بیشتر نبودند که هفت نفر از آنها دوره خلبانی دیده بودند اما سال‌ها بود که پرواز نداشتند و عملاً خلبان خبره‌ای محسوب نمی‌شدند. به علاوه این توضیح را آورده‌ایم که مرکزیت کودتا کجا بود و به چند سوال خیلی مهم نیز پاسخ داده‌ایم؛ از جمله توضیح داده‌ایم که چطور یک سرهنگ دوم ژاندارمری به نام محمداقبر بنی عامری توانست دو سپهبد، چند سرلشکر و سرتیپ و ۲۰ سرهنگ شافل و بازنشسته ارتش را به خدمت خود درآورد.

بر اساس ساختار ارتش شاهنشاهی این موضوع غیرممکن بود، مگر اینکه قدرتی فراسازمانی به حمایت از او این افراد بلندپایه را مجاب به چنین اقدامی کرده باشد که در آن شرایط تنها ایالات متحده و سازمان امنیتی و جاسوسی این کشور چنین چنین قدرتی بود. شاه مخلوع فاقد چنین قدرتی بود، فرماندهان ارتش تعدادی زندانی و تعدادی اعدام شده بودند، ضداطلاعات و ساواک منحل شده بودند و فقط اداره مستشاری باقی مانده بود که این جریانات هم زیر سر آنها بود. مبتنی بر بررسی‌های ما بیش ۶۰درصد از کودتاجپان در زمان انجام کودتا عضو ارتش نبودند و بیش از ۵۰ درصد از آنها نیز یک تا چند نفر از اعضای خانواده‌هایشان در آمریکا یا سایر کشورهای غربی به سر می‌بردند. در رابطه با مشارکت قومیت‌های مختلف ایرانی در کودتا که در محافل مختلف مطرح می‌شود نیز در این کتاب توضیحات قابل توجهی ذکر شده است.

به هر حال، تدوین و تالیف «قدر مطلق یک توطئه» حدود ۶سال طول کشید که در این مدت دوست بسیار خوبم ناخدا قمریان نیز به‌منظور توفیق این اثر کمک‌های شایانی کردند.

# سیاست



«قدر مطلق یک توطئه» روایتی متفاوت از «کودتای نقاب» است

که به‌ژودی راهی بازار نشر می‌شود

# توطئه نافرجام لیبرال‌ها

عناصر این کودتا، اقدام به ذکر این اسناد کرده‌اند.

برای سسومین فصل، عنوان «بازخوانی کودتا، برگزیده شده و جزئیات کودتا-از ابتدا تا مقطع دستگیری و اعترافات کودتاجپان- در این فصل به‌صورت مشروح بیان شده است. تمرکز اصلی در فصل سوم، بر چگونگی اقدام نیروهای ارتشی در کشف و خنثی‌سازی آن است که اقدام آنها -مستند به اسناد و مدارک- جدا مورد توجه قرار گرفته و به‌طور مبسوط تشریح شده است. در همین فصل، برای نخستین بار، درباره سه نفر از کارکنان ارتش که در جریان خنثی سازی کودتا به شهادت رسیده‌اند سخن به میان می‌آید. افرادی که تنها شهدای این کودتا محسوب می‌شوند و مناسفانه درخصوص دو تن از ایشان تا به حال مطلبی نوشته نشده است. «رازها و رمزهای مغفول کودتا، عنوان فصل پایانی کتاب است. این واقعیت قابل انکار نیست که در این کودتا نیز مانند سایر حوادث تاریخی، حواشی‌ای وجود داشته که به‌دلایل متعدد کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ حال آنکه این حواشی از چنان ظرفیت بالایی برخوردارند که می‌توانند اصل موضوع را به‌طور جدی تحت‌الشعاع قراردهند. از این رو بررسی رویدادها و موضوعات مهم مرتبط با این کودتا که زوایا و لایه‌های پنهان آن را شفاف‌تر می‌کنند، در این فصل مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، شرایطی فراهم شده تا ضمن رفع ابهامات مختلف درباره «کودتای نقاب»، واقعیت‌های تاریخی و آموزنده این رویداد مهم نیز با توجه به اهدافی که طراحان اصلی کودتا آن را دنبال می‌کرده‌اند، تبیین و جمع‌بندی شود. در آستانه سی‌ونهمین سالگرد کشف کودتای نقاب، صاحبان اثر، بخش‌هایی از متن این کتاب منتشرنشده را در اختیار «فرهیختگان» قرار داده‌اند که در ادامه می‌خوانید.

### رازهای یک کودتا

در فصل چهارم کتاب تلاش شده تا آن دسته از حواشی مهم و مرتبط با کودتای نقاب را که به نظر می‌رسد تاکنون کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است، مورد توجه ویژه قرار گیرد تا از این طریق، امکانی فراهم شود که اولاً ابهامات موجود درباره این کودتا کاهش یابد و ثانیاً شرایطی مهیا شود که واقعیت‌های تاریخی این رویداد، با در نظر گرفتن اهدافی که طراحان اصلی کودتا اجرای آن را دنبال می‌کردند، مطرح و منتشر شود. در بخشی از این فصل درباره فعالان کودتا ضمن اشاره به این موضوع که یگان‌های شرکت‌کننده در این واقعه شامل اداره دوم ستاد مشترک ارتش، پایگاه هوایی همدان، لشکرهای ۱ و ۲ تهران، تیپ ۲۲ نوهد و لشکر ۹۲ رزه‌ی اهواز بودند، آمده است: «درباره شرکت طوایف و اقوام ایرانی در این کودتا، آقای محسن رضایی ضمن توضیح درخصوص مراحل «کودتای نقاب»، در ارتباط با مرحله سوم چنین می‌گوید: «سیخ و تسلیح شیوخ وابسته به عشایر عرب و حدود سیصد تا چهارصد نفر از ایل بختیاری و سایر قومیت‌ها در اولویت برنامه‌های کودتاگران قرار داشت؛ به‌گونه‌ای که قرار بود در مرحله سوم کودتا - که از آن به‌عنوان جاه‌طلبانه‌ترین مرحله این کودتا نام برده می‌شود- حدود ۵۰ هزار نفر از مردان جنگی اجیرشده بلوچ، کرد و تُرک تحت رهبری ملی و با مدلی ناشناخته، نسبت به قطع ارتباط شهر تهران با سایر مناطق کشور اقدام نمایند.

مارک گازبوروسکی نیز در همین ارتباط در مقاله خود می‌نویسد: در هفته‌های قبل از ۷ جولی از دسته‌های قبایل خواسته شد تا در مناطق مختلف کشور شورش‌هایی را ترتیب دهند تا واحدهای سپاه پاسداران از پایتخت به‌مناطق ایل نشین اعزام و از تهران دور شوند؛ تا اجرای عملیات کودتا تسهیل گردد. این ایلات عبارت بودند از بختیاری‌ها، بویراحمدی‌ها، بلوچ‌ها و قشقایی‌ها که توسط بنی عامری، قادی و رکنی جذب شده و در مقابل خدمات‌شان مبالغی هم دریافت کرده بودند.

می‌توان در جمع‌بندی انجام‌شده در این خصوص، چنین گفت: کودتاجپان بسیار تلاش نمودند تا تعدادی از اقوام ایرانی را با خود همراه نمایند، لیکن -بلاتردید- هیچ‌یک از ایلات و طوایف ایرانی، به‌صورت جمعی و ایلی-اصطلاحاً سازمان‌دهی‌شده- در این کودتا شرکت نداشته از آن حمایت نموده بودند. فقط تعدادی محدود، حداکثر چند ۱۰ نفر از طوایف مختلف بختیاری، به‌واسطه حضور در مجالس شبانه‌تریاک‌کشی و قمار، در جریان این کودتا قرار گرفته بر اساس منافع شخصی وارد این غائله می‌گردند.»

که به همراه برخی مطالب جدید و ناگفته در کتابی با عنوان «قدر مطلق یک توطئه»، گرد آمده و مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گرفته است. وجه تسمیه عنوان کتاب این است که عوامل کودتا توطئه‌ای را درون «قدر مطلق» قرار داده و در انتظار نتایج حاصل از آن نشستند. بدیهی است که بر اساس مفروضات و اصول موضوعه ریاضیات نظری، هیچ‌گاه حاصل جبری این گزاره منفی نبود.

«قدر مطلق یک توطئه»، که بنابر اظهار مولفان آن حداکثر تا نیمه مرداد راهی بازار کتاب شده و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد، دارای چهار فصل است. در فصل اول که نام «کودتا در تاریخ معاصر ایران» برای آن برگزیده شده، کلیات مرتبط با موضوع کودتسا و تاریخچه آن در ایران مطرح شده است. در این فصل، ضمن توضیح «کودتای کورتاز»، برای نخستین بار درباره‌نخستین کودتایی که توسط گروهی از خلبانان نیروی هوایی، حدود یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی- در سال ۱۳۵۸- زیرنظر سرتیپ خلبان حبیب‌الله معین‌زند و سرتیپ پیاده احسان‌الله پزشکیبور در شرف تکوین بوده است و نیز درباره عناصر شرکت‌کننده در آن که توسط نهادهای انقلاب اسلامی دستگیر شدند، به‌صورت مبسوط توضیح داده شده و اسناد و مدارک موجود در ارتباط با این موضوع نیز ارائه‌شده است. «بازشناسی عناصر کودتای نقاب» عنوان فصل دوم کتاب است. در این فصل تلاش شده تا شناخت مخاطبان محترم، از طریق ارائه سوابق عناصر اصلی که بیشترین مسئولیت و نقش‌آفرینی را در زمینه طرح‌ریزی و اجرای «کودتای نقاب» داشته‌اند، تکمیل شود. غالب اسنادی که در این بخش کتاب آمده تاکنون در جایی ارائه نشده است و مولفان به‌منظور عمق‌بخشیدن به نگاه مخاطب و کمک به شناخت جامع‌تر

### فرمانده کودتا منصوب بختیار بود

کودتای نقاب نیز مانند سایر کودتاها یک قوه عاقله بیرونی و تعدادی عوامل اجرایی در درون کشور داشت که در تعامل با یکدیگر، کارها را پیش می‌بردند. بی‌شک تمامی این نیروها بدون تمسک به کمک‌های یک یا چند کشور بیگانه-که معمولاً در قالب حامیان کودتاجپان ایفای نقش می‌کنند- قادر به انجام این عملیات نظامی نبوده‌اند. با این حال، سابقه تعدادی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین افرادی که به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و عامل اجرایی کودتا ایفای نقش کردند، مورد مطالعه قرار گرفته و قسمت‌هایی از اسناد مربوط به آنها که می‌توانست در راستای کمک به مشخص کردن ابهامات مطروحه مورد استفاده قرار گیرد در فصل دوم آمده است. آنچه می‌خوانید منبختی از این فصل کتاب است که درباره شاخص‌ترین چهره کودتا توضیحاتی آورده است.

«نام‌های مستعار مورد استفاده سرهنگ دوم محمداقبر بنی‌عامری عبارت بودند از احسان، امید احمدی و سوسنی؛ بر اساس مستندات موجود، مشارالیه هر یک از این اسامی مستعار را در ارتباط با یکی از سه گروه کاری در کودتا، استفاده می‌نموده است. همچنین، بر اساس مفاد بازجویی‌های منتهیم شناخت نظامی، محرز گردید که اکثریت قاطع افراد این شاخه، سرهنگ بنی عامری را به‌نام «احسان» می‌شناختند. بر اساس اعترافات تعداد قابل توجهی از متهمیم دستگیرشده کودتا، بنی عامری در اسفندماه ۱۳۵۸، پس از سفری مخفیانه به پاریس و دیدار با شاپور بختیار، فرماندهی بخش نظامی «عملیات نقاب» را برعهده می‌گیرد.... سرهنگ ساوه‌درودی سال‌ها به‌عنوان یکی از عناصر ضدجاسوسی در اداره دوم بوده و سرهنگ بنی‌عامری در ژاندارمری فعالیت داشته است. حال سؤال اینجاست که این دو نفر چگونه با یکدیگر مرتبط شده‌اند؟ واسطه تماس چه شخص یا سازمانی بوده که از موافقت سرهنگ ساوه‌درودی با شرکت در این جریان اطمینان داشته و از سوی دیگر، حفظ وی در اداره دوم نیز تا حدی برای آنها مهم بوده که عملاً اجازه برقراری تماس ساوه‌درودی با دیگران را صادر نمی‌نمایند، تا هویت یادشده لو نرود. همچنین سرهنگ دوم صدیقیانی‌فر به‌نقل از سرهنگ ساوه‌درودی که هر دو جزء آن دسته از سران کودتا بودند ولی در سال ۱۳۵۹ ش، شناخته نمی‌شوند، درخصوص تهیه پول و خرید سلاح از سوی قربانی‌فر عنوان می‌دارد: احسان (بنی عامری) و ساوه‌درودی می‌گفتند که او می‌خواهد از طریق قاجاق، اسلحه خریداری کند و مسئولیت امور مالی با قربانی فر است.»

### سپیده‌دم شکست کودتا

در سال ۱۳۵۷ با شروع حرکت مردمی در مسیر انقلاب اسلامی- که به‌نوعی ادامه مبارزه با حکومت پهلوی در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود-بار دیگر ززمه‌ه وقوع کودتا در ایران پیدایشا، اما در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت، آوازی که از دور شنیده می‌شد، به صدایی بلند در قالب تحکرات جدی نظامی برای انجام کودتا مبدل شد. در فصل اول کتاب، ضمن ارائه توضیحاتی کلی درباره کودتا، تحولات داخلی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹- مرتبط با مسیر اجرایی شدن کودتا- در قالبی جدید روایت می‌شود. در بخشی از این فصل درباره طرح کودتاهای کورتاز در روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ آمده است: «رژیم در حال احتضار شاهنشاهی نفس‌های آخر را می‌کشید لیکن همچنان برای زنده ماندن دست و پا می‌زد تا مگر به‌نحوی خودش را از غرقایی که با دستان پلید خود برای خویش ساخته بود، نجات دهد.

دیگر برای او فرقی نداشت که چگونه خود را برهاند؛ حتی اگر شده با جاری ساختن خون در خیابان‌ها و کشتار بی‌دریغ مردم کوچه و خیابان با هر وسیله ممکن تیعمسار بدره‌ای و تیمسار نشاط و چند تن دیگر طراحان اصلی این نقشه بودند؛ نقشه‌ای که بر اساس آن قرار شد فرادی آن روز یعنی روز بیست‌ویکم بهمن تعدادی تانک به‌خیابان‌ها اعزام شوند و به‌خدمه تانک‌ها مأموریت داده شود که به‌هیچ جنبنده‌ای رحم نکنند. کلاه‌دوز پس از باخبر شدن از این تصمیمات به‌فراست دریافت که فردا چه واقعه وحشتناکی در شرف تکوین است؛ کشتار با این مردم تظاهرات‌کننده، گلوله‌باران شدید چند نقطه شهر تهران از جمله مقر حضرت امام و دانشگاه. کلاه‌دوز با زیرکی توانسته بود از روی قراین و شواهد به تصمیمات آنها پی ببرد و پس از بررسی‌های زیاد یقین پیدا کرد که بر اجرای این تصمیمات اصرار دارند. بنابراین او باید هرطور شده این خبر را به انقلابیون می‌داد.... به‌هر ترتیب به‌عنوان گشت اطراف یادگان بیرون رفت و با احتیاط کامل باجه تلفنی را پیدا کرد و گوشی را برداشت؛ خبر داد و سریع بازگشت، اما این کار او اقناع‌نکرده و با خود فکر کرد که کار از این بزرگ‌تر است و یک تلفن نمی‌تواند رفیع مشکل کند، لذا از ساختمان خارج شد و نقشه‌ای را که چند لحظه پیش طراحی کرده بود، عملی کرد.... در حالی که اطراف را می‌پایید با احتیاط به یکی از تانک‌ها نزدیک شد و سوزن آن را برداشت. وقتی که مطمئن شد کارش را به‌خوبی انجام داده است از آن پیاده شد و به‌سراغ دومین تانک رفت. ساعتی بیش به‌طلوع فجرصادق نمانده بود و او در حال از کار انداختن تانک‌ها بود. سپیده که دمید، سوزن آخرین تانک را هم درآورده و خوشحال از آن خارج شد.»